

چرا اینهمه پناهنده خوراک کوسه ها میشوند؟

مسبب کیست؟



پرسش این است چرا اینهمه انسان در دریاها در کام نهنگان فرومی روند. متأسفانه هر روز خیر غرق شدن قایقی و مرگ صدها تن به گوشت میرسد. مسئول این فجایع چه کسانی هستند؟ همانطور که بارها درگذشته بیان کرده ایم دلیل این فجایع را باید در آن جستجو کرد که اروپای "متمدن" سالهاست دروازه های خویش را بر انسانهای نیازمند که در واقع قربانی سیاستهای امپریالیستی و از جمله امپریالیسم اروپا هستند بسته است و آنها را به لطایف الحیل از مرزهای دریائی اروپا بدور می دارد. دولت سلطنتی اسپانیای فرانکو-خون کارلوس در اطراف خاک اسپانیا در داخل مراکش دیوار کشیده است و با کشتی های فرونتکس نگرهبانی می دهد که کسی وارد جزایر توریستی قناری نشود. پناهندگان از دیوار سیم کشی خاردار شده، با مجروح کردن خود عبور می کنند. مأموران اروپا باید به جایی برسند که با حق تیر از دژ اروپا در مقابل سیل پابرهنگان و گرسنگانی که غارت کرده اند به محافظت برخیزند. همین روش را دولت بحران زده یونان برای حفاظت از دژ اروپا بر عهده گرفته است. هجوم پناهندگان معمولاً از ممالک آفریقائی و آسیائی، ممالکی که در آنها گرسنگی و بی خانمانی، بی دورنمائی و جنگ غوغا می کند، می باشد. ممالکی که همه خود قربانیان غارت امپریالیستی اند.

دول اروپائی با ریختن اشک تمساح، وقتی می بینند که تمام روشهای سرکوبگرانه و تشکیل کماندوهای مجاز آدمکشی به جای نرسیده و نمی توانند جلوی سیل هجوم انسانهای آواره و بی دورنما که چیزی ندارند که از دست بدهند، بگیرند، به جای رفع ریشه های این آوارگی مجدداً زبان به تهدید گشوده اند. در حالیکه رئیس اتحادیه اروپا همه را فرامی خواند که به مسئله پناهندگان توجه کنند و مانع شوند که آنها با قایق به دل مرگ روانه شوند و این مغایر ارزشهایی است که اروپای "متمدن" به آن اعتقاد دارد، کشورهای عضو اتحادیه اروپا یکی پس از دیگری به میدان آمده و با عبارات تزئینی و تشریفاتی برای خالی نبودن عریضه و صحنه سازیهای "متمدنانه" را بیان میکنند، فوراً مسببان را پیدا کرده و فرا می خوانند که شدیداً باید قاچاقچیان انسانها که به خاطر پول این عده را به دریا می ریزند، مجازات شوند. بنظر همه وزرای داخله اروپا، باید از درون و در درون ممالک آفریقای و آسیائی، با سازمان دهی و رشوه دادن و همکاری با دولتهای غیر دموکراتیک آنها، مانع شد که پای پناهندگان به اروپا برسند.

آنها که اشک تمساح می ریزند و با چهره های گریم کرده و گرفته ناله سر می دهند و بر مزار صدها کشته اشک می ریزند، در نشست اخیر مشترک وزرای داخله اتحادیه اروپا، در فردای مرگ بیش از 800 تن پناهنده در آبهای دریای مدیترانه، بدنبال تصویب قانون جدید و بودجه چند صد میلیون دلاری یا یورویی هستند، تا نیروی کاوشگر و سرکوبگر جدیدی با امکانات گسترده ای تشکیل گردد. هدف این سازمان نجات جان پناهندگان نیست بلکه بازگرداندن آنها به مکان "امن" و دوردست است که صدایشان به گوش احدی نرسد.

تا موقعی که معمر قذافی رئیس جمهور لیبی بر سر کار بود، برای جلب نظر اروپائی ها اردوگاههای وحشتناکی ایجاد کرده بود تا مانع شود که این پناهندگان و آوارگان از خاک لیبی به سمت اروپا سرازیر شوند. با تجاوز وحشیانه به لیبی، با نابودی کشور و دولت قانونی لیبی وضع نابسامانی در شمال آفریقا ایجاد شده که نتایج آن به چاد و مالی نیز رسیده است. پاره ای ممالک متلاشی شده اند. با غارت سومالی و دسیسه چینی در سودان برای تجزیه آن، با تجاوز به سوریه، عراق، افغانستان و...، میلیونها انسان در سراسر جهان آواره شده و در پی تأمین معاش و سرپناه می گردند. مسببان این

وضعیت تلخ، خود امپریالیستها هستند که شرایط مادی هستی مردم را نابود کرده، ممالک آنها را ویران کرده و میلیونها نفر از آنها را بی خانمان می کنند. تا امپریالیسم وجود دارد که به غارت جهان مشغول است، نمی توان جلوی سیل پناهندگان را گرفت. آدمکشی در سوریه، حمایت از القاعده و النصر برای مقاصد غارتگرانه امپریالیستها، اشغال فلسطین توسط صهیونیستها، تلاشی کردن ممالکی نظیر یمن، سومالی، لیبی و... همه منجر به وجود آمدن چنین وضعی می گردد. تنها دریای مدیترانه نیست که به گورستان پناهندگان بدل شده است. سیل پناهندگان از جنوب اندونزی به سوی استرالیا نیز سرازیر است و دولت استرالیا با روش فاشیستی همه آنها را یا نابود می کند و یا به اسارت می گیرد و قصد دارد آنها را در جزایری به همین منظور نامیده و مهیا ساخته است، زندانی کند. تمام آمار پناهندگان نشان می دهد که قاچاقچیان انسانها، مسئول پیدایش آنها نیستند، چه بسا که خود آنها نیز قربانی چنین اوضاعی هستند. چه فایده که صاحب قایق قربانیان هشت صد نفری اخیر را که گویا یک تونسی یا سوریه ای است دستگیر کنند و در یک دادگاه نمایشی و مسخره، با همان روش تجربه شده ای که اروپائی ها در آن استاد شده اند، بنام حمایت از حقوق بشر به عنوان "جنایتکار" محاکمه کرده و تمام تفصیرات را به گردن وی بیندازند و وجدانهای معذب خود را برای فریب افکار عمومی راحت نمایند؟ آیا امر پناهندگی با اعدام یک تونسی و یا حبس ابد وی به پایان می رسد؟ ممالک "متمدنی" که برای مرگ این پناهندگان اشک تمساح می ریزند، خودشان مسبب این جنایات هستند و در آینده هم خواهند بود. آنها با دستگاههای مدرن و ماهواره و هواپیماهای بی سرنشینی که برای ردیابی دارند، قادرند حضور، مکان و مختصات هر قایق دچار حادثه را تعیین کنند و به یاری آنها روند. ولی این کار را نمی کنند. این هواپیماها و رادارها و کشتیها و ماهواره ها برای تجاوز به سایر کشورها و مبارزه با "تروریسم" ساخته شده اند و نه برای نجات جان انسانها. اگر کشور سوریه را ویران نکنند و در اوضاع داخلی آن دخالت نکنند و گازهای سمی در آنجا نیفکنند و القاعده و النصر را از طریق فرانسه، عربستان سعودی و قطر برای آدمکشی در سوریه بسیج نکنند، کدام سوری را پیدا می کنید که دل به دریا بزند و مرگ را به جان بخرد، تنها برای اینکه پایش به اروپائی باز شود که قاتل جانش است. بحران پناهندگی، بحران امپریالیسم است. امپریالیسم مسبب این فاجعه بزرگ انسانی است. راه نجات جان انسانها نابودی امپریالیسم است. این قصه متأسفانه سر دراز دارد. تا امپریالیسم و جنایتکاران بین المللی برای غارت جهان وجود دارند، تا نان مردم را از سر سفره آنها می دزدند وضع چنین خواهند ماند. آوارگی و رفع گرسنگی را باید با نابودی غارتگران برطرف کرد. باید خلقهای جهان را بر ضد امپریالیستها و نیات پلیدشان و همدستان آنها، که چهره امپریالیستها را در همه جا آرایش می کنند بسیج نمود

نقل از توفان الکترونیکی شماره 106 نشریه الکترونیکی حزب کارایران اردیبهشت 1394

www.toufan.org